

توحید از نظر قرآن
شکستهای آسمان

حسین نوری

ستارگان ثوابت

سر پرده جهان هستی، و سقف زیبا و مرموز کاخ آفرینش، آن قدر اسرار و عجب‌ها دارد، که گفته‌ها و نوشته‌ها، با آن که قطره‌ایست از این دریای بی‌کران، بسیار زیاد است.

البته سازمانی که پایه آن بر شالوده قدسیت خداوند متعال استوار گردیده و طاق ایوانی که نمونه عظمت و جلال آن ذات مقدس باشد، شکفت نیست که دارای این همه رموز و اسرار باشد.

بر آرنده سقف این بارگاه، و نگارنده نقش این کارگاه، صفحه به‌ناور آسمان را بوجود مهرهای زرین و گوه‌های شب‌چراغ یعنی ستارگان درخشان آراسته، ستارگانی که ساکن بنظر میرسند، اما در جنبش و گردش‌اند. کوچک دیده میشوند، ولی هر یک جهانی هستند، گویا خموشند، اما جوش و خروش دارند، بعضی از آنها پراکنده‌اند و برخی مجتمع، نه متفرقشان مجتمع میگردند، و نه مجتمع آنها متفرق می شوند هر یک از آنها در نقطه‌ای از فضا چشمک زده، چشمهای هوشمندان را خیره میکنند، رازها میگویند و حقیقت‌ها ابراز مینمایند، و منظره روح بخش آسمان را از بر تو تشعشع و تابش خود دلپذیر می سازند، و توجه متفکران را با عظمت و اهمیت خود جلب می کنند.



ثوابت - سیارات - اقمار

کران آسمانی. بسه دسته طبقه بندی شده‌اند:

۱ نوابت - ستارگانی هستند، که نسبت آنها با سایر ستارگان تغییر نمی کند، و

در مشاهده ظاهری چشمک می زنند.

۲ سیارات - ستارگانی هستند؛ که جای خود را در فضا تغییر داده، و نسبت بسیاری

ستارگان دارای حرکت می باشند، و در مشاهده ظاهری مانند سایر ستارگان بشکل

قطعه نورانی دیده می شوند، ولی چشمک نمی زنند. (هنگام شب اگر از دورد بخوبی بان شهر

نگاه کنید، خواهید دید چراغهایی که در اطراف خیابان نصب شده اند چشمک می زنند

اما چراغهای ماشین که در حال حرکت است چشمک نمی زنند. ما، در مقاله دیگری در

باره سیارات بحث خواهیم نمود.)

۳ اقمار - سیارات کوچک که بدور سیارات بزرگ می گردند، اقمار

نامیده می شوند.

تعداد نوابت

مجموع نوابتی که در دو نیمکره شمالی و جنوبی با چشم غیر مسلح قابل رؤیتند

در حدود شش هزار است، و از این مقدار سهم نیمکره شمالی مقداری بیش از سهم نیمکره

جنوبی است؛ یاد در نظر گرفتن عوارض زمین، در یک شب صاف، با چشم بی سلاح؛ بیش

از دوازده هزار ستاره، در آسمان نمی توان دید ولی از پشت دوربین تعداد نوابت مرئی به مراتب

بیشتر می شود، و از پشت تلسکوپ (دوربین مخصوصی است که برای دیدن ستارهها بکار

میرود) صد هائیلیون ستاره، بچشم دیده می شود، و هر قدر بر قوت تلسکوپ افزوده

شود، هزارها ستاره نامرئی مرئی میشود، تاکنون هر چه تلسکوپهای قوی تری

تهیه شده، در فاصله های بیشتر ستارگانی مشاهده شده، لذا تعداد آنها هنوز بر بشر

مجهول است، و معلوم نیست در آینده هم پیشرفت علم، این راز خلقت را کشف کند.

یکی از دانشمندان این فن، در تعداد ستارگان می گوید: «اگر هر یک از آنها را با اندازه

دانه ربکی فرض کنیم، و در اقیانوس کبیر، که بزرگترین اقیانوسها است؛ و دارای

۱۷۵ میلیون کیلومتر مربع وسعت است بریزیم؛ این اقیانوس را پر میکند؛

فاصله‌های ثوابت

مقیاسهای معمولی بشر؛ برای اندازه گیری فاصله‌های ستارگان ثوابت، کافی نیست زیرا فاصله‌های آنها بسیار زیاد است، روی همین اصل دانشمندان علم هیئت برای حساب فاصله‌های آنها، واحد دیگری انتخاب نموده و مقدار فاصله‌ها را با آن سنجیده اند و آن عبارت است: از ۳۰ سال نوری که معادل است با مسافتی که نور در ظرف یکسال می‌پیماید نور در ثانیه تقریباً ۳۰۰.۰۰۰ (سیصد هزار) کیلومتر و در دقیقه ۱۸ میلیون کیلومتر راه طی می‌کند و یکسال بیش از ۳۱۰ میلیون در نیم ثانیه است.

بنابر این مقدار سیر نور در یکسال برابر است با ۳۱۰ در ۲۴ در ۶۰ در ۶۰ در ۳۰.۰۰۰ کیلومتر فرض کنید بر هوا پیمائی سوار هستید، که در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر (۳۰۰.۰۰۰ فرسخ) راه طی می‌کند و می‌خواهید با این مرکب رهاور سفری با آسمان نموده از این منابع نور و منظومه‌های بسیار دور، از نزدیک بازدید نمائید، هشت دقیقه و بیست ثانیه بعد از حرکت بخورشید میرسید، از آنجا که گذشتید، اگر بخواهید بنزدیکترین ثوابت برسید، و آن ستاره‌هاست در جنوب قطبی بنام «پروکسیما» باید بیش از چهار سال راه بپیمائید، اگر بخواهید به ستاره قطبی مشهور «جدی» سری بریزید باید پنجاه سال راه طی کنید؛ اگر می‌خواهید از ستاره «عمیق» بازدید نمائید، نود سال وقت لازم دارد؛ اگر در مجموعه پروین (زریا) خواسته باشید نزدیک جلال کنید و این خوشه باشکوه را از نزدیک ببینید پس از ۱۴۰ سال بآنجا خواهید رسید (اعرّوز وجود هشتاد مجموعه مانند مجموعه پروین، ثابت گردیده است) اگر بخواهید منظره جالب کهکشان‌ها را ببینید باید هشتصد هزار سال طی مسافت کنید، و برای گذشتن از این سر کهکشان تا طرف دیگر آن دویست هزار سال وقت لازم دارید؛ اگر بکهکشانهای دیگر میل مسافرت پیدا کردید میلیون‌ها سال باید راه بپیمائید؛ (در مقاله جداگانه‌ای درباره کهکشانها و مساحتها بحث خواهیم کرد).

قرآن کریم - ستاره شعری پر نورترین نواب آسمان

قرآن مجید، در طی دلائل خداشناسی، در جاهای متعدد، باینانی لطیف تر از نسیم
سحر، و جذابتر از امواج کهربا، از وقیعت مهم ستارگان در جهان خلقت سخن
گفته است.

امادربك مورد از ستاره‌ای بالحن بسیار جالبی، نام برده است، که این لحن
عجیب و تغییر شکفت توجه هر خواننده متفکر را جلب میکند، و آن تغییر این است.
«وانه هورب الشعری» (آیه ۵۰، از سوره النجم) یعنی خداوند پروردگار «شعری»
است ستاره شعری کدام است، که درباره آن این تعبیر عجیب بکار برده شده است؟
اگر در ساعت ۹ بعد از ظهر آسمان را مشاهده کنید آن ستاره نابتی که در سمت
جنوب «از همه ستاره‌ها روشن تر است همان ستاره «شعری است» فاصله ستاره «شعری»
از زمین تقریباً ۸ سال نوری و ۹ ماه و نیم است و جرم آن ۱۵۰ برابر جرم آفتاب و روشنایی
آن ۲۶۰۰ برابر روشنایی آفتاب است! از مختصات بسیار شکفت آورده شعری «این
است: که وزن مخصوصش چندین هزار برابر وزن مخصوص طلای سفید است! با آنکه
طلای سفید از تمام عنصرهایی که در روی زمین موجود است، سنگین تر است.

بعلاوه این ستاره دارای صاحبی است که در مدت پنجاه سال یک دور بگرد ستاره
«شعری» میگردد شاید یکی از اسرار آیه شریفه همین مطالب باشد که بعد از چندین
قرن و پس از این همه ترقیات علمی و صنعتی روشن و معلوم گردیده است.

در تفسیر «مجمع البیان» و تفاسیر دیگر نوشته اند که چون جمعی از اعراب زمان جاهلیت
ستاره «شعری» را همبرستیدند قرآن مجید برای ازین بردن این شرك و اظلم از بی اساس
بودن این عقیده فرمود: «وانه هورب الشعری» ای که گشتگان وادی که راهی و نادانی
به جای آنکه ستاره «شعری» را، که یکی از میابونها نواب آسمان است بپرستید،
خدایم پرستش کنید که پروردگار و آفریننده ستاره «شعری» است.

ستارگان همگی شمع بزم توحیدند

خواننده محترم! قیافه‌های شکفتانگیز و اسرارآمیز موجودات جهان هستی ما را بیك مبداء علم و قدرت نامحدود راهنمایی میکند که او، صدرا بن دستگاہ عظیم و منظم است و همه تجلیات حیرت انگیز خلقت از او سرچشمه گرفته و این همه نقش عجیب بر در و دیوار وجود، از خامهٔ صنع او صادر گردیده است.

بود نقش دل هر هوشمندی که باشد نقش هارا نقشبندی

بطوری که در هر قطره باران؛ و هر بوته گیاه، و هر برگ درخت، و هر شاخه گل و هر نیش خار، و هر عضوی از اعضا، جانوران، و هر موجی از امواج دریا، و هر دانه ای از دانه‌های برف، و هر نفس نسیم؛ خلاصه در دل هر ذره ای دلالتی است از حکمت و شواهدی است از قدرت، اما از همه اینها مهم تر اجرام تابناک آسمانی و این کشتی‌های نور است، که در میان امواج اقیانوس فضا شنابان حرکت کرده و در پیشگاه اراده الهی کمر اطاعت بسته‌اند.

هزاران کشتی نور است تابان در این دریای بی ساحل شنابان

بفرمانش روانند این قوافل شنابان کو بکو منزل بمنزل

و این شمع‌های بزم توحیدند که در بر تور و شناکی و اشعه خود قدرت و عظمت پروردگادار ثابت و مدلل مینمایند، پروردگاری که سقف بلند آسمان را برافراشته، و ستارگان درخشان را در فضای بی پایان، معلق نگاه داشته است.

خوشا بر افکار بلند بینان، که در شبهای تاریک بمنظرهٔ روح بخش آسمان، با چشم بصیرت بنگرند، و بدین دورنمای بدیع دل دیده بسپارند، و از تماشای این دستگاہ با عظمت لذت برند، و از این سقف پر نقش و رنگ بی بنقاش قدرت برند، و در این دانشگاہ معرفت درس توحید بخوانند؛ و مهندس این کاخ رفیع معرفت پیدا کنند و راه بر سنش طاعت او بشتابند، و از غرور و مستی در پیشگاهش بهخضوع و تسلیم بر آیند، و آفرینندهٔ جهان را مانند همان ستارگان مشتاقانه طلب کنند.

که داند کین هزاران مهر زردین
 چه میخواستند از این محمل کشیدن
 در این محراب که معبودشان کیست
 چرا این نایب است آن منقلب نام
 همه هستند سرگردان چو پرگار
 مرا بر سر گردون رهبری نیست
 از این گردنده گنبدهای پر نور
 بلی در طبع هر داندنه ای هست
 از آن چرخه که گرداند زن پیر
 اگر چه آب و خاک و باد و آتش
 همی تازو خط فرمانت نیاید

چرا گردند در این قبه چندین
 چه میجویند از این منزل بریدن
 و ز این آمدش در مقصودشان چیست
 که گفت این را بجانب آن رایبارم
 بدید آرنده خود را طلبکار
 جز این کابن نقش دائم سر سری نیست
 بجز گردش چه شاید دیدن از دور
 که با گردنده گرداننده ای هست
 قیاس چرخ گردنده همی گیر
 کنند آمدش دی بابکدیگر خوش
 بشخص هیچ پیکر جهان نیاید
 > نظامی <



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی